



نقش تشکل‌ها در تقویت بخش خصوصی و توسعه اقتصادی ایران

نخستین جلسه از سلسله نشست‌های «از تشکل‌زدایی تا تشکل‌گرایی» با حضور مقصود فراستخواه، جامعه‌شناس برجسته کشور در اتاق بازرگانی تبریز برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی اتاق بازرگانی تبریز، در ابتدای این جلسه که با حضور اساتید دانشگاهی، فعالان اقتصادی و اعضای تشکل‌های اتاق تبریز، برگزار شد، مسعود بنابیان، نایب رئیس اتاق بازرگانی تبریز با اشاره به اهمیت تشکل‌ها در تحقق اهداف گفت: فعالیت جمعی و رفتارهای گروهی، از شاخصه‌های اصلی توسعه به شمار می‌رود. وی ادامه داد: نقش تشکل‌ها در رسیدن به توسعه پایدار، بسیار مهم است و اتاق تبریز با تأکید بر این اصل سعی در برگزاری سلسله نشست‌های تخصصی در این حوزه دارد، تا با تقویت تشکل‌ها، مسیر توسعه اقتصادی استان را هموار کند.

یونس اکبریور پایداری، عضو هیئت نمایندگان اتاق بازرگانی تبریز هم در این نشست بر لزوم فرهنگسازی در زمینه فعالیت‌های تشکلی تأکید کرد. وی با اشاره به قدمت اتاق بازرگانی تبریز و حضور صنعتگران بزرگ در این استان گفت: قطعاً اگر فعالان اقتصادی استان و اصناف مختلف، در قالب تشکل‌های مربوطه، فعالیت کنند، دارای قدرت بیشتری در بازارهای داخلی و خارجی خواهند بود.

عبور از نظریه عقب‌ماندگی و نگاه به آینده مقصود فراستخواه، در این نشست با محوریت «سهم تشکل‌ها در توانمندی حرفه‌ای بخش خصوصی مولد و آثار آن در توسعه» سخنرانی کرد. فراستخواه بر اهمیت تجربه و کار به عنوان عوامل کلیدی در مدیریت تأکید کرد.

وی اظهار داشت: تجربه از کار و تولید مدیریت به دست می‌آید. دانش ذهنی داخل ذهن شما نهادینه شده که بسیار مهم است. شاید از دانش بیرونی چیزی در مدارس تلمز کرده باشیم اما دانش درونی مهمتر است. کشاورزی که در حرفه خود بهترین کار را می‌کند، بسیار ارزشمند است. این بیان، اهمیت دانش عملی و تجربی را در کنار دانش نظری و آکادمیک برجسته می‌کند.

فراستخواه در ادامه به تحلیل وضعیت بخش خصوصی مولد در ایران پرداخت و با تأکید بر لزوم عبور از نظریه عقب‌ماندگی، خاطرنشان کرد: سرمایه‌داری در ایران را ضعیف می‌دانم. سرمایه‌داری مولد در ایران که ایجاد ارزش کند مثل اروپا قوی نیست. ملتی که وابستگی به مسیر دارد، باید از این مشکلات و محدودیت‌ها عبور کند. وی با اشاره به این موضوع که ملت‌ها باید از محدودیت‌های خود عبور کنند، اظهار داشت: در گذشته، داروغه‌ها می‌توانستند قواعد را تغییر بدهند، حرفه‌ها عموماً خانوادگی بوده و اصناف مستقل نبودند. اینکه ما ایرانی هستیم و نمی‌توانیم، اصلاً استدلال درستی نیست.

توسعه اقتصادی و دموکراسی؛ دو روی یک سکه فراستخواه توسعه اقتصادی را در ارتباط مستقیم با دموکراسی دانست و بیان کرد: توسعه اقتصادی و دموکراسی باید با یکدیگر اتفاق بیفتد. ما صنف‌هایی داریم که نیرومند بودند و رشدی را تجربه کردند، اما این رشد در حد کشورهای اروپایی و مانند آن نبودند. این استاد جامعه‌شناسی همچنین به نقش نهادهای اجتماعی و فرهنگی در موفقیت صنف‌ها اشاره کرد و گفت: نهادهای اجتماعی موفق می‌شوند که ریشه در فرهنگ و اخلاق جامعه ایجاد کنند.

نقش اصناف در توسعه تاریخی ایران

فراستخواه در بخشی از سخنان خود به بررسی تاریخی نقش اصناف در ایران پرداخت و دوره تیموری را بهترین دوره برای اصناف دانست. وی افزود: بهترین دوره اصناف دوره تیموری است. ایران بعد از مغول تازه دوره‌هایی داشتیم که اصناف حتی رشد بیشتری را تجربه کردند. مثلاً خیاط‌ها صاحب صنف شدند. استاد برجسته جامعه‌شناسی همچنین به نقش مهم اصناف در شکل‌گیری شبکه‌های یادگیری و انتقال تجربیات بین نسل‌ها اشاره کرد و بیان داشت: ملت‌هایی که موفق شدند مسیرهای تازه‌ای ایجاد کنند، ما می‌توانیم یاد بگیریم که بهتر زندگی کنیم. با یادگیری و عمل، شبکه‌های یادگیری ایجاد می‌کنیم که نسل‌های جدید هم یاد بگیرند چطور می‌توانند بهتر باشند.

نقد پیش‌فرض‌های ذهنی و بازنگری در ساختارها

فراستخواه به نقد پیش‌فرض‌های ذهنی که مانع از پیشرفت می‌شوند پرداخت و یادآور شد: اگر پیش‌فرض‌های ذهنی داریم که "ما نمی‌توانیم"، باید آن را نقد کنیم. ایران عقب‌مانده نیست، نظم‌ها و هنجارهایی در ایران وجود دارد که اگر بیدار شوند می‌توانند کارهای بزرگی بکنند. وی با تأکید بر اهمیت تعامل و نقد برای بهبود سیستم‌های تولیدی، اظهار داشت: کار و تولید یک سیستم است که باید با جهان تعامل کند. اگر من بتوانم تعامل کنم و نقدها را بشنوم، سیستم باز می‌شود.

در ادامه، فراستخواه به تحلیل اقتصادی و جامعه‌شناختی اصناف پرداخت و گفت: نظریه اقتصادسنجی درباره اصناف بر مبنای عرضه و تقاضاست، اما جامعه‌شناسی نیز به مباحث اخلاقی در اقتصاد توجه دارد.

وی به تفاوت میان رشد اقتصادی و توسعه به عنوان دو مفهوم متفاوت اشاره کرد و افزود: توسعه برخی قابلیت‌های انسانی دارد و فقط محدود به کارهای عمرانی نمی‌شود. متغیرهای ملاک مانند رشد اقتصادی وجود دارد که توسعه را با آن می‌سنجیم. کیفیت نیروی کار مهم است که آموزش ببیند و تعهد داشته باشد. این استاد برجسته جامعه‌شناسی در بخش دیگری از سخنرانی خود به بررسی رشد اقتصادی ایران پس از انقلاب پرداخت و بیان کرد: بیشترین رشد سالانه بعد از انقلاب در ایران، به اوایل دهه ۸۰ برمی‌گردد که رشد سالانه تشکیل سرمایه بالغ بر ۱۰ درصد شد. رشد اقتصادی با میانگین ۵.۷ درصد که حاصل کیفیت نهادهاست. زمانی که کیفیت و دیپلماسی مقداری بهبود پیدا کرد، شاهد رشد و بهره‌وری بودیم.

وی همچنین به تأثیر تحریم‌ها و مشکلات دیپلماسی بر اقتصاد ایران در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ اشاره کرد و گفت: اختلال در دیپلماسی و تحریم‌ها در دهه ۹۰ باعث منفی شدن آمارهای اقتصادی شد. فقط با برجام بود که آمارهای ما بهبود یافت و اگر تداوم می‌یافت، اوضاع بهتر میشد، اما با ابرتر ماندن برجام، دوباره مشکلات زیاد شد. فراستخواه در پایان سخنرانی خود بر اهمیت سیاست‌گذاری‌های دقیق و به‌روز تأکید کرد و گفت: سیاست را باید دید، تحلیل کرد و تغییر داد، اما نباید چنان به آن خیره شد که از ابتکاراتی که می‌توانیم داشته باشیم غافل شویم.

وی به اهمیت کشف نقض‌ها و ابتکارات مدیریتی اشاره کرد و اظهار داشت: اگر بخش خصوصی به کشف نقض برسد، خود را پیدا می‌کند. نباید از ابتکارات مدیریت، اجتماعی، علمی، اخلاقی و... غافل شد. یک مدیر با فرض شرایط بد هم می‌تواند خوب کار کند. اروپا با این‌ها جلو رفته است.